

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران  
دوره ۳، شماره ۱  
بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۶۸ - ۵۱

## هویت و زندگی روزمره دختران در فضاهای عمومی شهر مطالعه دختران دانشجوی رفسنجان

امیلیا نرسیسیانس\*

یاسمن اوحدی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۵

### چکیده

جامعه مدرن، نوع روابط افراد با فضاهای شهری و سبک زندگی روزمره را تغییر داده است. حضور در فضاهای اجتماعی و برقراری ارتباط یکی از نیازهای انسان امروزی است. این نیاز در اولین قدم خود را در کنش‌های روزمره نشان می‌دهد. در این پژوهش، شیوه زندگی ۳۵ دختران دانشجوی شامل روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، نحوه گذراندن زندگی روزمره، ارزش‌های مطلوب و هنجارهای مورد تبعیتشان و شیوه‌های رفتاری در شهرستان رفسنجان مورد توجه بوده است. داده‌ها با استفاده از روش کیفی و از خلال مصاحبه‌های فردی و گروهی و یادداشت برنامه فعالیت‌های روزانه جمع‌آوری شدند. با فن تحلیل محتوای موضوعی، هویت فرهنگی این دختران یعنی میزان و نحوه استفاده از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی فضاهای پیرامونی مورد مطالعه قرار گرفت. با تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدیم که در فرهنگ رفسنجان برای دختران هنجارها و ممنوعیت‌هایی در متن جامعه تعیین شده است. علاوه بر وجود موانع حضور در فضاهای عمومی شهر، عدم برنامه‌ریزی برای زندگی روزمره و اهمیت نداشتن آن در میان دختران مورد مطالعه به چشم می‌خورد. آنها هیچ‌گونه ایده، نظم و یا هدف خاصی برای سپری کردن زندگی روزمره و حضور یافتن در عرصه عمومی ندارند.

**کلید واژگان:** دختران، رفسنجان، زندگی روزمره، فرهنگ، فضای عمومی، هویت.

enerciss@ut.ac.ir

yasmin.ohadi@gmail.com

\* دانشیار گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران

\*\* کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران

## مقدمه و بیان مسئله

شکوفاسازی جوانان و ارتقاء مهارت‌هایشان برای موفقیت در زندگی و مقابله با چالش‌های آن، ضروری است. برنامه‌ریزی برای دستیابی به این هدف، نیاز به ملاحظات فرهنگی، تاریخی و توسعه‌ای در جامعه دارد و بر اساس متون فرهنگی راهکارهای متعددی ارائه می‌شود. دختران به عنوان گروهی از جوانان که نقش مهمی چه از نظر تربیت نسل و چه به لحاظ حرفه‌ای و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی دارند، مستثنا از این شناخت نیستند. زندگی روزمره برای دختران اهمیت زیادی دارد و آنها بیش از هر چیز زمان و فضای زندگی خود را در ساختارهای روزمرگی می‌گذرانند؛ بنابراین با هدایت کردن، شکل دادن و نظارت بر این روزمرگی می‌توان از آن به مثابه پایه‌ای برای ایجاد هویت کارآمدتر استفاده کرد. کنش‌های افراد در زندگی روزمره تا حد زیادی معرف جنسیت، چپستی هویت و بر گرفته از تجربه زیستی آنها است.

شیوه گذراندن زندگی روزمره دختران جوان، چگونگی مصرف فضایی آنها از فضاهای عمومی موجود در اطرافشان و نیز نحوه برخورد آنها با این شیوه زندگی، اوقات فراغت و ارتباط با دیگران، بحثی مهم است که متأسفانه چندان به آن پرداخته نشده است. گروه‌های اجتماعی حرکات و رفتار خود را بر اساس هویت، کنش و یا منش انجام می‌دهند.

فضاهای جغرافیایی به غیر از ساختار فیزیکی، معرف ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی هستند. فرهنگ‌ها نیز ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم نهادینه‌شده دارند که در زندگی روزمره افراد آن جامعه قابل مشاهده است. فضاهای شهر از جمله فضاهای جغرافیایی هستند که بر اساس عمل جمعی افراد ساخته می‌شوند و برای شناخت آنها باید نحوه زندگی گروه‌ها را مورد بررسی قرار داد. پژوهشگر با تحلیل برنامه فعالیت‌های روزانه دختران، تلاش کرد تا علاوه بر دستیابی به الگوی کلی از زندگی روزمره دختران، هنجارها و ارزش‌هایی که فعالیت‌ها در چارچوب آنها شکل می‌گیرند نیز مورد توجه قرار دهد.

پیش‌فرض انسان‌شناسی بر این است که برای آنچه عاملان اجتماعی انجام می‌دهند، دلیلی وجود دارد و میان رفتارهای ناهماهنگ افراد، اصول هماهنگی وجود دارد. در این پژوهش رابطه میان نحوه واکنش دختران مورد مطالعه با تعارض‌های موجود در جامعه، فرهنگ و خود، اشکال مقاومت فرهنگی و یا تسلیم‌پذیری در مقابل این تعارض‌ها و همچنین نحوه حضورشان در جامعه از خلال میزان دسترسی و حضورشان در فضاهای جغرافیایی پیرامونشان مورد بررسی قرار گرفته است. زندگی دختران جوان در رفسنجان تا چه حد توسط شیوه‌های سازمان‌یافته اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (ساختار)؟ و آنها تا چه حد توانایی مقاومت در برابر آن و اتخاذ شیوه‌های دیگر را دارند (کنشگران)؟ حضور در فضاهای عمومی از عوامل مهم در آشنایی با هویت‌های گوناگون، انتخاب و کسب هویت به شمار می‌رود. استفاده دختران از فضاهای عمومی تا چه میزان و به چه

منظور است؟ سهم فضاهای عمومی شهری در جریان زندگی روزمره دختران تا چه حد است؟ آیا ارتباطی میان هویت‌یابی دختران و حضور در فضاهای فیزیکی پیرامونشان می‌توان یافت؟ ”رفتار انسان‌ها علاوه بر آنکه تحت تأثیر ویژگی‌های جسمی انسان‌ها قرار دارد، متأثر از عوامل متعدد فرهنگی و باورهای حاکم بر جامعه نیز هست: در هر جامعه‌ای فرهنگ خاصی حاکم است و به تبع آن رفتار افراد نیز به گونه‌ای متفاوت از سایر جوامع خواهد بود“ (هولمز، ۱۳۸۹: ۱۳). باورهای حاکم بر جامعه در مورد زن بودن یا مرد بودن، چیزی جز باور طبقه حاکم نیست. همین باور نیز به ما نشان می‌دهد رفتار زنانه و مردانه چگونه باید باشد (همان: ۱۷۲). پیامد واکنش‌های دختران جوان تحصیل‌کرده در مقابل هنجارهای سیستم اجتماعی و خانوادگی از این رو دارای اهمیت است که اثرات آنها یا حداقل بخشی از آن بر نسل‌های بعد نیز تسری خواهد یافت. این پژوهش با کمک روش مشاهده مشارکتی و تمرکز بر برنامه زندگی روزمره، بر دیدگاه گروهی از کنشگران یعنی دختران جوان تحصیل‌کرده ساکن شهرستان رفسنجان و یافتن ریشه‌های هویت با توجه به چگونگی گذران زندگی روزمره آنان تأکید دارد.

### چارچوب نظری

موقعیت جوانی و هویت دختران در زندگی روزمره و میزان حضور در فضاهای عمومی و خصوصی در این پژوهش بر مبنای نظریات الگوی ارتباطی در حوزه عمومی و حوزه خصوصی یورگن هابرماس (۱۹۶۶)، نقد زندگی روزمره هانری لوفبور (۱۹۷۱) و میدان و عادت‌واره پیر بوردیو (۱۹۸۴) بنا شده است. هابرماس حوزه عمومی را در اطلاق به عرصه‌ای اجتماعی به کار می‌برد که در آن افراد از طریق مفاهمه و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی برابر و به دور از هرگونه فشار، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کنند (هابرماس، ۱۹۹۱: ۳۱). نحوه شکل‌گیری و شاخص‌های وی برای حوزه عمومی در ارزیابی فضای عمومی شهر رفسنجان استفاده شده است.

بوردیو با طرح اصطلاح ”عادت‌واره“ نشان می‌دهد که آنچه انجام می‌دهیم به اندیشه ما در مورد آن برمی‌گردد. او این طرز تفکر را نتیجه آموزه‌های میدان‌ها می‌داند. میدان دریافت دانش (دانشگاه، مدرسه)، میدان عرضه دانش (مشاغل)، میدان بروز کنش‌ها و واکنش‌ها و شکل‌گیری تعاملات انسانی (فضای عمومی شهر) از جمله میدان‌هایی هستند که گاه در راستای یکدیگر و گاهی نیز در تضاد و تعارض با هم عمل می‌کنند. مفهوم عادت‌واره و میدان بوردیو، مهم‌ترین بخش چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. عادت‌واره‌ها به تعبیر بوردیو

”نظام‌هایی از قابلیت‌های پایدار و قابل انتقال (از خلال آموزش و فرآیند اجتماعی شدن یا از طریق تقلید و تأثیرپذیری) هستند که ساختارهای بیرونی را در افراد

درونی می‌کنند. به صورتی که افراد با عمل خود، ساختارها را بازتولید کنند ... این ساختارها روابط اجتماعی هستند که میان گروه‌های اجتماعی با قدرت‌های نابرابر درون یک میدان یا حوزه ایجاد می‌شوند“ (فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۹۹).

لوفبور شهر را میانجی دو نظم نزدیک (زندگی روزمره مردم) و نظم دور (ساختارها و ایدئولوژی‌ها و قدرت حاکم) و محل مواجهه آنها می‌داند. مهم‌ترین محوری که لوفبور آن را در کتاب زندگی روزمره در جهان مدرن مطرح می‌کند، روزمرگی است: ”یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که با آن مواجه هستیم، مشکل تکرار در زندگی روزمره است“ (لوفبور، ۱۰: ۱۹۸۷) و معتقد است زندگی روزمره از خلال ساختارهای تکرار فاقد خلاقیت، گسستی ایجاد می‌کند که انسان را از توانایی برای اندیشه آفریننده و خلاق جدا می‌سازد.

فضای عمومی غالباً به عنوان محدوده‌ای در تصرف عمومی مردم تعریف می‌شود که قابل دسترس برای همگان است. کارکرد اصلی آن فراهم آوردن امکان تعامل و دیدار و ملاقات است. این فضا جدا از خانه و جایی است که افراد خارج از شبکه‌های خویشاوندی و دوستی با دیگران تماس برقرار می‌کنند. با این حال در عمل، فضای عمومی برای همگان به طور مساوی قابل دسترس نیست: ”از نظر تقسیم ساختاری فضا، فضاهای عمومی برای مردان و فضاهای خصوصی یعنی چهاردیواری خانه برای زنان است. از نظر تقسیم زمان، انقطاع و استراحت در زمان‌های مردان و صبر و حوصله و پایداری بی‌وقفه در طول زندگی زنان محسوب می‌شود“ (شویره، ۱۳۸۵: ۲۸). فضای خصوصی در فضای اندک در مقایسه با فضای عمومی قرار می‌گیرد و افراد به سرعت در این فضاها جابه‌جا می‌شوند. فرد می‌تواند خصوصی بودن را انتخاب کند و در صورت علاقه وارد فضای عمومی شود. ناشناس ماندن در فضای عمومی وجود دارد زیرا تماس گذرا، اتفاقی و کوتاه مدت است. کارکرد فضای نیمه‌خصوصی مثل پیاده‌روهای شهری حس اعتماد و جو نزدیکی را در بین افراد یک محله به وجود می‌آورد (فکوهی، ۲۴۴: ۱۳۸۳).

فضاهای نیمه‌خصوصی در این پژوهش شامل منازل مسکونی دوستان و اقوام و فضاهای بسته‌ای است که به نسبت فضای عمومی نظارت بیشتری بر آنها صورت می‌گیرد ولی در عین حال فضایی خارج از فضای خصوصی (منزل مسکونی خود) محسوب می‌شود. فضاهایی که نه عمومیت فضای عمومی را دارند و نه جنبه خصوصی بودن بر آنها غالب است. به همین دلیل نام نیمه‌خصوصی برای این فضاهای غیرخصوصی تحت کنترل و در محیط بسته انتخاب شده است.

برخی تعامل در فضای عمومی را برگرفته از ساختار اجتماعی و عده‌ای دیگر در هنجارهای

اجتماعی می‌دانند

”هنجارهای اجتماعی، عموماً نانوشته و برای مردم عامل به آن قابل فهم است. این هنجارها برداشت، قواعد و رسوم غیررسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع مختلف تجویز، ممنوع و یا تعدیل می‌کند. این هنجارها اگرچه از طریق اعتقادات سنتی و مذهبی و ضرب‌المثل‌ها، اشعار کودکانه، گفتارها و ... می‌توانند بیان و یا تقویت شود اما اغلب نانوشته‌اند“ (جاوید و ایزدی جیران، ۱۳۸۹: ۱۷).

عرف جامعه تعیین می‌کند که جامعه چگونه باشد. اثرگذاری بر جامعه توسط عرف بسیار بیشتر از قوانین نوشته‌شده و رسمی است. بر اساس نحوه تعامل افراد در طول زمان (روزمره) و در سطح جامعه، هویت پایه‌ریزی می‌شود. هویت در دو جنبه فردی و جمعی قابل مطالعه است. در این پژوهش هویت جمعی و جنسیتی دختران مورد نظر است که این‌گونه معنا می‌شود: ”هویت‌های اجتماعی معمولاً به عنوان مجموعه‌ای از تعاریف و نقش‌ها مفهوم‌سازی می‌شوند“ (چرنی: ۲۰۰۱). هویت افراد برآمده از تعاملات آنها در اجتماع و در ارتباط با نقش‌هایی است که در جامعه ایفا می‌کنند. هرچند هویت مفهومی ایستا نیست و پیوسته در تغییر است اما جامعه و محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند نقش بسیار مؤثری در شکل‌گیری هویتشان دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر پایه دو رویکرد روش‌شناسی واقع شده است. بخش اول استفاده از روش‌های اسنادی است و در بخش دوم با استفاده از فن‌های کیفی انسان‌شناختی یعنی مشاهده و انواع مصاحبه‌های باز، عمیق، نیمه‌ساخت‌یافته، روایی - اپیزودیک و گروهی استفاده شده است. یادداشت برنامه فعالیت‌های روزانه گروهی دیگر از دختران دانشجو شهر رفسنجان روش دیگری بود که در طی یک ماه (۴ هفته) به تفکیک ساعت (از ۶ صبح هر روز تا ۶ صبح روز بعد) به ۵۰ نفر از دختران دانشجو رفسنجانی داده شد تا از این طریق دید همه‌جانبه و دقیقی نسبت به نحوه گذران زندگی روزمره و میزان حضور در فضاهای عمومی مختلف و خصوصی شهر حاصل شود. از ۵۰ فرم توزیع‌شده، ۳۵ مورد تکمیل و به پژوهشگر بازگردانده شد که اساس داده‌های این پژوهش را شامل می‌شوند. این برنامه‌ها شامل ۴ بخش تفکیک‌شده بر حسب روز و ساعت برای یادداشت برنامه روزانه طی ۴ هفته بوده است همچنین از این گروه خواسته شد تا در برگه‌هایی از قبل آماده‌شده فهرستی از تمامی فضاهای عمومی شهر شامل پارک‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز خرید، رستوران‌ها و کافه‌ها، فضاهای تفریحی و ... را به ترتیب اولویت حضور و تعداد ساعت‌هایی سپری‌شده در طول یک هفته یا یک ماه مشخص و یادداشت کنند و دیدگاه خود را نسبت به فضاهای عمومی شهر و حضور دختران در آنها بیان کنند تا از این طریق علاوه بر شناسایی

فضاهای عمومی که دختران بیشتر در آنها حضور می‌یابند، میزان تردد و نحوه حضورشان در این حوزه‌ها نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

نمونه‌گیری تدریجی نظری در این پژوهش استفاده شده است که "نمایا بودن افراد بر اساس میزان روشنایی‌بخشی احتمالی‌شان انتخاب می‌شوند" (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۳۸) درعین‌حال اطلاع‌رسان‌ها بر اساس معیارهای مورد نظر یعنی محدوده سنی (۱۹ تا ۲۹ سال)، جنس (دختر)، دانشجو بودن، دارای سطح تحصیلات (کارشناسی و کارشناسی ارشد) و موقعیت شغلی (دانشجو و بدون درآمد) نسبتاً مشابه، اهل رفسنجان و ساکن این شهر انتخاب شدند. وابستگی طبقاتی (اقتصادی و اجتماعی) دختران گروه عمدتاً وابسته به خانواده (شغل پدر و یا همسر) است که در این پژوهش ملاک نبود. تأکید پژوهش بر روی دانشجو بودن و امکان دسترسی به دانش و سرمایه‌های کسب‌شده در دانشگاه قرار داشت زیرا این فرض برای دانشجویان در نظر گرفته می‌شود که توان استفاده از سرمایه‌های اکتسابی برای تأمین معیشت و احراز هویت را دارا هستند. برای تحلیل داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه، روش کدگذاری موضوعی به کار گرفته شد و این اطلاعات در ارتباط با یکدیگر تصحیح و سنجیده شدند: "با کمک ساختار موضوعی در روش کدگذاری، می‌توان توزیع اجتماعی دیدگاه‌ها نسبت به موضوع مطالعه را تحلیل و ارزیابی کرد" (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۴۴). پس از جمع‌آوری داده‌ها و تطبیق و تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده، موارد لازم شناسایی و با افزودن ابعاد جدید یا حذف وجوه خاصی تکمیل شدند. کدگذاری موضوعی روابط معناداری که افراد مورد مطالعه در چارچوب موضوع تحقیق دارند را حفظ می‌کند؛ بنابراین با این روش تمامی ۳۵ مورد مطالعه موردی شدند. پس از اولین تحلیل موردی، مقوله‌ها و حوزه‌های موضوعی مربوط به موضوع مجدداً کنترل و این عمل یک ساختار موضوعی شد که مبنای تحلیل سایر موارد قرار گرفت تا به این ترتیب امکان مقایسه موارد با یکدیگر افزایش یابد و عنوان‌های مشترک از بین فعالیت‌های زندگی روزمره دختران به دست آید.

### فعالیت‌های روزانه دختران

یافته‌ها در خصوص تفکیک فضاهای مورد استفاده دختران در طول زندگی روزمره با کمک مفهوم و نظریه عادت‌واره بوردیو در ۴ مقوله دسته‌بندی شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. ابتدا فعالیت‌های روزمره دختران به ۵ دسته کلی تقسیم و میانگین فعالیت‌های یک روز آنها در این شاخص‌ها برآورد شد. این برگه‌ها از تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۹ (بعد از اتمام تعطیلات بین‌ترم) تا ۲۰ اسفند ۱۳۸۹ (قبل از آغاز تعطیلات نوروز) میان دختران دانشجو توزیع و جمع‌آوری شد تا فعالیت‌های روزمره خود را یادداشت کنند.

## خواب

یکی از شاخص‌هایی که تعداد ساعت زیادی را در برنامه فعالیت روزمره زندگی دختران به خود اختصاص می‌دهد، میزان خواب آنها است. میانگین میزان خواب حداقل ۸ ساعت است. این رقم در بین افراد متفاوت است و در برخی موارد تا ۱۲ ساعت (افرادی که سال یا ترم آخر دوران تحصیلی خود را سپری می‌کنند و تعداد ساعت‌های کلاس و واحدهای درسی آنها در دانشگاه کمتر است) مشاهده شد. استراحت در سه بخش از یک روز به چشم صورت می‌گیرد: خواب صبحگاهی، خواب نیم روز و خواب هنگام شب. این زمان استراحت تقریباً در تمام طول چهار هفته ثابت و تنها در مواردی استثنائی چون مسافرت، مهمانی رفتن یا مهمان داشتن و پیک‌نیک روزهای تعطیل متغیر است.

تعداد ساعت خواب افراد عوامل گوناگونی از قبیل عادت‌ها رفتاری و نوع تربیت خانوادگی، ضعف بدنی، خستگی، بیماری‌های جسمی، نداشتن انگیزه، فراغت و بیکاری، سبک زندگی، نوع شغل افراد و ... تا بیماری‌های روحی چون افسردگی و اختلالات روانی و ... را در بر می‌گیرد. در مطالعه برنامه فعالیت روزانه دختران رفسنجان، مشاهده می‌شود که خواب‌آلودگی زیاد تنها ناشی از کم خوابی و یا نامناسب بودن خواب شبانه نیست. ”بی‌انگیزگی“، ”سستی و بی‌حالی“، ”بی‌کاری“، ”نمی‌دونستم چی کار کنم، خوابیدم“، ”تنها بودم، خوابیدم“ و ... از جمله اصطلاحاتی هستند که دختران در برنامه‌های روزانه‌شان به آنها اشاره کرده‌اند. عواملی چون بی‌انگیزگی، تکراری بودن فضاهای روزمره و رؤیا پردازی در عالم خواب‌آلودگی از جمله دلایل ساعت‌های زیاد خواب است.

## رسانه‌های جمعی مانند تلویزیون، رادیو، ماهواره و مطالعه کتاب

مطالعه کتاب، تماشای برنامه‌های تلویزیونی، ماهواره و ... در کنار مواردی همچون رفتن به دانشگاه و حضور در کلاس‌های مختلف خارج از دانشگاه می‌تواند در افزایش سرمایه فرهنگی افراد نقش مؤثر داشته باشد. به نظر می‌رسد که قشر جوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده محصولات فرهنگی مانند روزنامه، کتاب، مجله، نمایش، موسیقی، فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و استفاده‌کننده از اینترنت و موبایل باشند. میزان استفاده دختران دانشجوی مورد مطالعه از وسایل ارتباط جمعی، در میان فعالیت‌های روزانه‌شان متغیر است و بر حسب روزهای تعطیل و روزهای کاری و دانشگاهی تفاوت می‌یابد.

”جمعه‌ها ساعت یازده از خواب بیدار میشم، ماهواره می‌بینم. به دوستانم زنگ می‌زنم، بعضی وقتام نقاشی می‌کنم. از خواب که بیدار میشم تلویزیون می‌بینم مخصوصاً برنامه کودک خیلی دوس دارم، بعد ناهار و کارای خونه رو انجام میدم و

بعداظهر هم برنامه کودک تماشا می‌کنم و شب هم آگه بیرون بردنمون که میریم آگه هم نبردن که خونه می‌مونیم و بازم تلویزیون می‌بینیم“ (زهره، ۱۹ ساله و دانشجوی رشته ریاضی).

میانگین مطالعه کتاب در میان دختران بسیار پایین است. باید در نظر داشت که زمان پژوهش در دوره امتحانات آنها نبود و در شرایط عادی زندگی آنها سنجیده شده است. تماشای تلویزیون در درجه نخست سپس ماهواره و در نهایت مطالعه کتاب بیشترین زمان را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال به طور متوسط در هر روز حداقل یک ساعت از زمان به استفاده از این وسایل ارتباطی اختصاص می‌یابد.

### استفاده از اینترنت و فضای مجازی

آزادی عمل و حق انتخاب بیشتری که اینترنت و فضای مجازی برای جوانان فراهم می‌آورد می‌تواند به عنوان تسهیل‌کننده و یا جبران‌کننده نیازهای ارتباطی آنها در عرصه واقعی نیز عمل کند: ”فضای مجازی تجربه قدرت‌دهنده‌ای برای جوانان و به ویژه دختران در تعامل با خانواده‌های خود و نیز اجتماع محسوب می‌شود“ (ذکائی، ۱۳۸۶: ۸۳). دختران با استفاده از قابلیت فضای مجازی مبنی بر ناشناس ماندن، از طرفی کنجکاوی‌ها، ماجراجویی‌ها و نیازهای ارتباطی خود را تأمین می‌کنند و از طرف دیگر از نظارت و کنترل مستقیم خانواده و جامعه‌های می‌یابند. انتقال گسترده روابط از سطح فضای واقعی و فیزیکی به دنیای مجازی، شبکه اجتماعی فیسبوک، گروه‌ها و کلوب‌هایی که امکان گفتگو و صحبت را فراهم می‌کنند از جمله راهکارهایی است که جوانان در مقابل فرهنگ رسمی شهر به کار می‌بندند. نتایج مطالعات سازمان ملی جوانان در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ نشان می‌دهند که بیشترین تعداد کاربران اینترنتی را جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند و میزان استفاده از اینترنت در طی سال‌های اخیر در میان جوانان روبه افزایش بوده است (به نقل از سلیمان پاک سرشت، ۱۳۸۶: ۱۸).

علی‌رغم تمام کارکردها، مزایا و پیشرفتی که در استفاده از اینترنت و متصل شدن به شبکه جهانی وجود دارد و با وجود استفاده‌های بی‌شماری که در عالم ناشناسی می‌توان با کمک اینترنت و در دنیای مجازی انجام داد، دختران رفسنجان علاقه چندانی به استفاده از اینترنت و حضور در دنیای مجازی از خود نشان ندادند. درحالی‌که استفاده از اینترنت و متصل شدن به شبکه جهانی می‌تواند نوعی از عرصه اجتماعی باشد که هابرماس آن را در حوزه عمومی می‌یابد، حوزه‌ای که افراد از طریق مفاهیم و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی برابر و به دور از هرگونه فشار، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کند



(هابرماس، ۱۹۹۱: ۳۱). بیش از نیمی از دختران دانشجوی مورد مطالعه در برنامه فعالیت‌های روزانه خود هیچ استفاده‌ای از اینترنت ندارند و این میزان برای آنها صفر محاسبه شده است. برای برخی دیگر نیز این رقم در حدود هفته‌ای بین ۱ تا ۲ ساعت است. گروهی از دختران با شبکه اینترنت در حد جستجوی مقاله برای ترجمه و یا استفاده در پایان‌نامه‌شان آشنایی دارند که توسط استادان در دانشگاه آموزش داده شده است. شبکه‌های اجتماعی چون فیسبوک، کلوب دوستان و اورکات برای بسیاری از دختران دانشجوی مورد مطالعه اسامی و مفاهیمی ناآشنا بودند. این دختران به صحبت کردن، چت کردن و وقت‌گذرانی در دنیای مجازی اعتمادی نداشتند و تنها به پیامدهای منفی و داستان‌های ناراحت‌کننده‌ای اکتفا می‌کردند که درباره استفاده از اینترنت شنیده بودند. برای برخی دیگر نیز استفاده از اینترنت و داشتن ایمیل تنها در حد یک شأن اجتماعی محسوب می‌شد. تعداد کمی از دختران مورد مطالعه آشنایی بیشتری با اینترنت و امکانات آن از جمله وبلاگ‌نویسی، شبکه‌های اجتماعی و... داشتند و در روزهای تعطیل زمان زیادی از روزمرگی خود را در دنیای مجازی سپری می‌کردند.

### میزان حضور دختران در فضاهای شهری

فضا پدیده‌ای اجتماعی است و افراد در زندگی روزانه‌شان، فضاهایی را بر اساس مؤلفه‌های گوناگون انتخاب و کنش متقابل خود را با آن شکل می‌دهند، نشانه‌هایی می‌سازند و به آنها معنا می‌دهند و این فضاها زمینه‌ای برای کنش کنشگران اجتماعی هستند. فضاهای عمومی - اجتماعی یکی از این فضاهای نشانه‌ساز و پر معنی است که نقش مهمی در میان انتخاب‌های گذران اوقات روزمرگی ایفا می‌کند.

فعالیت‌های دختران در این پژوهش بر اساس چارچوب فضای درونی و بیرونی ارزیابی شده است. فضای درونی شامل منزل مسکونی دختران است که در آن با خانواده خود ساکن هستند و سایر فضاها تحت عنوان فضاهای بیرونی قرار گرفته‌اند. با توجه به داده‌های حاصل از برنامه فعالیت زندگی روزمره دختران رفسنجان، فضای بیرونی به سه بخش عمده تقسیم شد. دانشگاه به ترتیب تعداد ساعات و دفعات حضور دختران اولین فضا است که بخش بزرگی از زمان زندگی روزمره دختران دانشجو در آن سپری می‌شود. بخش دوم شامل منازل مسکونی دوستان، اقوام، خویشان و... است که تحت عنوان مهمانی رفتن، سر زدن به خواهر و برادر و مانند آن از آنها یاد می‌شود. بخش سوم دربرگیرنده سایر فضاهای عمومی شهر است که در برنامه فعالیت‌های روزانه با ذکر نام مکان (از جمله آرایشگاه، دندان‌پزشکی، فروشگاه شهروند، گشت زدن در خیابان و...) و یا تحت عنوان کلی "بیرون" نام برده می‌شوند. دختران فعالیت‌های دیگری چون گپ زدن، دیدن آلبوم‌های عکس، گوش دادن به موسیقی، مراقبت از فرزندان خردسال خواهر یا برادر و

پیامک بازی را نیز به عنوان فعالیت‌های روزمره‌شان در فرم‌ها مطرح کرده‌اند که در بین آنها گپ زدن و درد دل کردن سهم بالایی را به خود اختصاص داده‌اند.

### دانشگاه

راه یافتن دختران به دانشگاه و کسب سرمایه فرهنگی و بالا رفتن مصرف فرهنگی آنها، به معنی ایجاد تغییر در ساختارهای زندگی روزمره و دگرگون شدن رابطه‌شان با زمان و مکان در حوزه‌های روزمرگی است. دختران بیشترین زمان از زندگی روزمره خود را در دانشگاه سپری می‌کنند. این زمان در برنامه فعالیت‌های روزانه‌شان از روزی ۴ تا ۱۰ ساعت ذکر شده است. میزان بالای زمان حضور در دانشگاه در مصاحبه‌ها نیز مطرح شد.

دانشگاه فضایی است که مجموعه‌ای از مصرف‌های فرهنگی، تفریحی، استراحت و کار را برای دختران ایجاد کرده است. دختران رفسنجان، در فضای دانشگاه علاوه بر پاسخگویی به نیاز خود مبنی بر حضور در جامعه، فضاهای خاص خود را در دل فضاهای متعلق به دیگران به وجود می‌آورند. آنها با حضورشان در فضای دانشگاه، غیر از آنکه برای آنها هویت‌آفرینی (هویت دانشجوی بودن) می‌کند، هویتی که خود می‌خواهند به آن معنی دهند (من) را نیز به دست می‌آورند. دانشگاه برای آنها مکانی خاص را خلق می‌کند که مصرف فرهنگی و اجتماعی آن در کنار تولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی مخصوص دانشگاه، سبکی متفاوت از سبک زندگی روزمره‌شان را به وجود می‌آورد.

اصطلاحاتی همچون ”خوش‌گذرانی در دانشگاه“، ”دیدار دوستان و صحبت با آنها در دانشگاه“ و ”تفریح کردن“ در تعریف فعالیت دانشگاهی، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که جذابیت تحصیلات دانشگاهی، صرفاً برای ورود به بازار کار نیست بلکه تحصیلات دانشگاهی را می‌توان به مثابه سبکی از زندگی در کنار کسب تجربه جدید، حضور آزادانه‌تر در فضای عمومی شهری، برخورداری از خدمات آموزشی و کسب دانش در نظر گرفت. دانشگاه، تغییری گسترده در روزمرگی دختران مورد مطالعه ایجاد نموده است.

دختران انگیزه‌های متفاوتی را برای مدت زمان حضور بیشتر از مجموع کلاس‌های درسی در دانشگاه مطرح می‌کنند. بعضی از آنها معتقدند دختران با حضور یافتن در دانشگاه در صد پیدا کردن دوست و هم‌صحبت (اعم از دختر یا پسر) برای خود هستند و زمان زیادی از حضور در دانشگاه را با دوستان خود می‌گذرانند. برخی دیگر نیز شرایط مطالعه در منزل خود را نامناسب می‌دانند و برای استفاده از کتابخانه‌ها به دانشگاه می‌آیند. بعضی از دختران برای استفاده از سایت و دسترسی به اینترنت بعد از اتمام کلاس‌های درسی خود در دانشگاه می‌مانند و بعضی دیگر نیز فقط برای شرکت در کلاس‌ها در محیط دانشگاه حضور پیدا می‌کنند.

### منزل دوستان و اقوام

محدودیت‌ها و موانعی که برای حضور دختران در عرصه‌های عمومی وجود دارد، موجب می‌شود آنها به اشکال دیگری از فضاهای خصوصی همچون منزل دوستان، اقوام و سایر مکان‌های بسته کشیده شوند؛ بنابراین الگوهای رفتاری دختران از شکل فعالانه و بیرونی به شکل منفعل و درون خانگی درآمده است. این امر می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد. حضور و حرکتی که نمی‌تواند در فضاهای عمومی شهری صورت گیرد (چون به عنوان کژ رفتار یا ناهنجار شناخته می‌شود) ممکن است به رفتارهای پرخطر و سایر آسیب‌های اجتماعی در فضاهای بسته منجر شود. در بین افراد مورد مطالعه، میانگین زمانی که هر فرد در طول یک روز در منزل دوستان، اقوام و آشنایان خانوادگی‌اش سپری می‌کند، حداقل یک ساعت تخمین زده می‌شود. تراکم و میزان ارتباط میان دختران با این گروه از کنشگران و فضاها بالا است. این زمان‌ها، جدا از اوقاتی است که خود میزبان گروه‌های خویشاوندی و یا دوستان و آشنایان هستند. دختران در هر هفته حداقل به سه یا چهار میهمانی دعوت می‌شوند و یا خود پذیرای مهمان هستند. این میهمانی‌ها حداقل بین سه تا هفت ساعت از زمان روزمره آنها را در برمی‌گیرد. غیر از زمانی که در میهمانی سپری می‌شود، قبل و بعد از میهمانی نیز زمانی به آن اختصاص می‌یابد؛ بنابراین بخش گسترده‌ای از زمان روزمره دختران به میهمانی‌ها و رفت‌وآمد با آشنایان، دوستان و اقوام و در فضاهای خصوصی و بسته منازل اختصاص می‌یابد.

### سایر فضاهای شهری

فضاهایی مانند آرایشگاه، دندان‌پزشکی، کلاس زبان، کلاس ورزش، خیاطی و ... دیگر فضایی هستند که دختران به نسبت دو تقسیم‌بندی فضایی دانشگاه و منزل اقوام و دوستان، زمان کمتری در آنها حضور دارند. حضور نیافتن و یا ترس از دیده شدن در فضاهای عمومی شهر، از دلایل متعددی ناشی می‌شود که عمده‌ترین آنها را باید در سیستم اجتماعی موجود در جامعه و همچنین هنجارپذیری دختران مبتنی بر نامناسب بودن حضور در فضاهای عمومی جستجو کرد، دختران در بین گزینه‌های حرکت در عرصه عمومی شهر دست به انتخاب می‌زنند و از میان دانشگاه و سایر فضاهای موجود در شهر، موارد بهتر و کم‌خطرتر را برمی‌گزینند. گذراندن بخش عمده از زندگی در دانشگاه و فضاهای خصوصی و مهمانی، فرصت چندانی برای حضور در عرصه‌های عمومی شهر باقی نمی‌گذارد. از طرف دیگر وجود محدودیت‌های موجود برای حرکت سطح شهر و نظارت‌های پنهانی همسایگان سبب می‌شود تا دختران به کنش‌های متفاوتی دست بزنند. به نظر می‌رسد خطر گرفتار شدن در روزمرگی که لوفبور در نظریه نقد زندگی روزمره خود عنوان می‌کند در عادت‌واره‌های طرح‌شده از سوی دختران مورد بحث قابل بررسی است.

فضاهای عمومی شهر رفسنجان، نیازهای دختران جوان را برطرف نمی‌سازد. تا جایی که بعضی از دختران برای تفریح، خرید و یا لذت از بخشی از زمان زندگی روزمره خود به شهر کرمان در صد کیلومتری رفسنجان سفر می‌کنند و پس از گذراندن ساعاتی، به شهر رفسنجان باز می‌گردند. این سفر که تنها چند ساعت طول می‌کشد یکی از سرگرمی‌های مهم و مورد علاقه دختران رفسنجان است. آزادی، ناشناس بودن، شلوغی، تنوع مکان‌های تفریحی در شهر کرمان که به پاتوق جوانان و دانشجویان مشهور شده‌اند و از شلوغی و تحرک نسبتاً بالایی برخوردارند، از جمله انگیزه‌های آنها برای انجام این سفر بیان شده‌اند.

### نحوه شکل‌گیری فعالیت‌های روزمره دختران

تغییرات جامعه مدرن، نوع روابط افراد با سبک زندگی روزمره و با فضاهای شهری را نیز تغییر داده است:

”شاید بتوان زندگی در جامعه قبل از مدرن را به دو بخش عمده تقسیم‌بندی کرد: کار و خواب. زمان فراغت، پدیده جوانی و ... مثل بسیاری دیگر از پدیده‌ها متعلق به جامعه سنتی نیست. در مفهوم جامعه‌شناسی، تفریح و گذران اوقات فراغت، یک پدیده مدرن است که کار از فضای خصوصی جدا می‌شود. در جامعه مدرن، حضور زن در قلمرو عمومی افزایش می‌یابد و این‌گونه می‌توان دریافت که زن‌ها برای اشتغال چگونه نقششان و حضورشان در فضای عمومی عوض شده است. این زنانه‌تر شدن فضای عمومی شهر، به خاطر اتفاقات ساختاری است که در جامعه ما رخ داده است؛ اما آیا مناسب با آن، قوانین ما هم تغییر یافته‌اند؟“ (اعظم خاتم، ۱۳۸۷: ۷۴).

ساخت هویت فرهنگی عمدتاً از خلال فرآیندهای آموزش رسمی (نظام آموزشی) و غیررسمی (خانواده و جامعه) صورت می‌گیرد. در طول این فرآیند، مجموعه گسترده‌ای از نظام‌های زبان‌شناختی، شناختی و بازنمایی وارد عمل می‌شوند اما پیچیدگی فرآیند به حدی است که از پیش نمی‌توان نتیجه نهایی شکل‌گیری هویت و تحول آن را پیش‌بینی نمود و صرفاً می‌توان در یک پیوستار سخن گفت. بورديو از ”عادت‌واره‌ها“ به عنوان تولیدکننده کنش‌ها نام می‌برد که به رفتارها مطابق با منطق میدان اجتماعی شکل می‌دهند. گاهی رفتارها از نظر عاملان اجتماعی ”طبیعی“ جلوه می‌کنند یعنی افراد بدون آنکه با اجبار روبه‌رو باشند، انتخاب‌های خود را محدود می‌کنند. جبر و الزام در تصمیم‌گیری‌ها به نظر آنها وجود ندارد و به طور طبیعی و معمول، در میدان اجتماعی بدون آنکه به اعمال و حرکات خود بیاندیشند، زندگی کنند. بورديو این منطق درونی و طبیعی را ”خصلت“ می‌نامد. خصلت موجب می‌شود ویژگی‌های

زندگی اجتماعی تعیین شده توسط جامعه که طبیعی بودن حکم "مشروعیت‌بخشی" به آنها را دارد، توسط عاملان اجتماعی بدیهی و طبیعی ارزیابی شود. خصلت‌ها، مقوله‌های فکری هستند که به طور ضمنی در میان آموزه‌های دولتی به افراد تعلیم داده می‌شوند. او درباره ارتباط زنان با فضاهای عمومی شهر می‌گوید: "زنان به ندرت به مدارج عالی تحصیلی و مشاغل پر حیثیت اجتماعی راه می‌یابند زیرا خصلت زنانه آنها موجب می‌شود تا بیشتر کارهای خانگی را به دوش بکشند (شویره، ۱۳۸۵: ۳۰)". همچنین لوفبور این نکته را مطرح می‌سازد: "انجام کارهای خانگی و ابتلا به زندگی روزمره از خلال ساختارهای "تکرار" های فاقد "خلاقیت"، گسستی ایجاد می‌کند که انسان را از پتانسیلی که در او برای اندیشه آفریننده و خلاق وجود دارد جدا می‌سازد" (۱۹۸۷: ۱۰).

دختران مورد مطالعه اکثر اوقات خود را در خانه و با خانواده زندگی می‌کنند؛ بنابراین خانواده برای آنها مهم‌ترین گروه مرجع است و در کنش‌ها، رفتارها، انگیزه‌ها، تصورات، داورها و پیش‌داوری‌های خود، با توجه به الگوی خانواده‌شان جهت‌گیری می‌کنند. والدین سعی می‌کنند فرزندانشان را از دوران کودکی مطابق با آنچه برای جنسیت آنها درست تشخیص داده می‌شود تربیت کنند و در واقع

"این جامعه است که نقش‌های جنسیتی را تعریف می‌کند و آن نوع رفتاری را که برای یک مرد یا یک زن شایسته است مشخص سازد. این مسئله در نحوه لباس پوشیدن، رفتار کردن، نوع کارهایی که انجام می‌دهند و میزان محدودیت و یا آزادی آنان مشخص است. لباس‌های دخترانه، بازی‌های دخترانه، صبور بودن و آرام بودن، جست و خیز نکردن، با صدای بلند نخندیدن، ماندن در خانه‌ها (زیاد از منزل خارج نشدن) و پرداختن به کارهای خانگی و کسب مهارت در این امور، رعایت فاصله یا حریم با جنس مخالف و ... از جمله هنجارهایی است که دختران با آنها بزرگ می‌شوند و رفتارهایشان بر اساس این الگوها شکل می‌گیرد" (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۸۳).

تصورات و فرهنگ دختران، یعنی عادت‌واره همان طور که بوردیو معتقد است "هر دو به صورت مستقیم و غیرمستقیم اعمال آنها را هدایت و کنترل می‌کنند" (بوردیو، به نقل از فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۹۹). عادت‌واره‌ها از طریق آموزش و یا در روند فرهنگ‌پذیری از طریق مشاهده رفتار دیگران و درونی کردن ساختارهای بیرونی، بازتولید می‌شوند. باور به خطرناک بودن، ناامن بودن، بد بودن و خطا بودن دیده شدن در فضاهای عمومی شهر، نه تنها مانع از ورود دختران به عرصه اجتماع می‌شود بلکه افکار آنها را در رابطه با جامعه نیز شکل می‌دهد. این افکار به تدریج از باور و افکار عمومی جامعه در ذهنیات دختران شکل گرفته است.

دختران مورد بحث، قوانین مشخص و دقیقی را در فرهنگ رفسنجان مشخص می‌کنند که حرکت خارج از آنها، بد و ناپسند دانسته می‌شود. تردد نداشتن در فضاهای عمومی و یا حضور با شرایطی خاص (به همراه بودن یکی از اعضای خانواده و یا حضور در فضاهای زنانه)، رعایت نوع خاصی از پوشش و آرایش، برخی اصول رفتاری و ... نوعی ایدئولوژی است که توسط فرهنگ حاکم بر جامعه ارائه می‌شود و دختران خودآگاه یا ناخودآگاه آن را پذیرفته و انجام می‌دهند. هرچند ممکن است تنش‌ها و اعتراض‌هایی ایجاد و درگیری‌هایی میان دختران و خانواده‌هایشان شکل گیرد، اما این موازنه‌ای نابرابر است زیرا نمی‌توان در برابر قدرت گروه حاکم ایستاد. ترس از طرد و کنارگذاری از سوی خانواده و جامعه موجب می‌شود از ارزش و اهمیت خواسته‌های فردی کاسته شود و حتی این خواسته‌ها تمایلاتی غیرمنطقی و غیرضروری پنداشته شوند. راه‌های جایگزینی چون گذراندن ساعات طولانی‌تر در دانشگاه، تردد بیشتر در خیابان‌ها و فضاهای شهری پس از ازدواج، گرایش به اینترنت و فضای مجازی، گوش دادن به موسیقی‌های رپ و پاپ، شعر خواندن و شعر سرودن و غیره از جمله راهکارهایی برای مقابله با ایدئولوژی مسلط به کار گرفته می‌شوند که لزوماً هم مؤثر و پایدار نیستند. آنچه که در این رابطه بیش‌تر به چشم می‌آید از بین رفتن رابطه میان دوره جوانی و زمان در بین دختران شهر رفسنجان است. آنها از دوره جوانی به عنوان یک مقطع زندگی در یک بازه سنی و زمانی خاص درکی ندارند و یا خود را بر حسب ایدئولوژی مسلط تعریف می‌کنند.

خانواده و اجتماع، بزرگ‌ترین نقش در تعیین موقعیت و جایگاه از پیش مشخص و قابل پیش‌بینی جوانان از جمله دختران را دارا هستند. عدم اطمینان از آینده و عدم توانایی در تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های روزانه تا آینده تحصیلی و شغلی، برخاسته از نوع فرهنگ مسلطی است که دایره رفتاری و اختیارات جوانان را تعیین می‌کند.

### نتیجه‌گیری

با مطالعه نحوه گذران زندگی روزمره دختران دانشجو در پی آن بوده‌ایم تا علل، عوامل و انگیزه‌های حضور یا عدم حضور آنها در فضاهای عمومی شهر رفسنجان را مورد شناسایی قرار دهیم. کنش‌ها و رفتارهای زندگی روزمره افراد در هر جامعه از طریق ساختارهای اجتماعی تبلور می‌یابند؛ به عبارت دیگر ساختارها و هنجارهای اجتماعی مانند شبکه‌هایی عمل می‌کنند که مجموعه متناسبی از رفتارهای فرهنگی را بازتولید می‌کنند. دلیل و انگیزه کنش‌های دختران جوان مورد مطالعه، تنها درگیری برای تعریف هویت و انتخاب آزادانه در تصمیم‌گیری‌هایشان نیست، بلکه فشارهای اجتماعی و هنجارهایی است که موجب می‌شود افراد تعاریف مجددی از خود ارائه کنند و دست به بازتعریف نقش‌ها و الگوهای هنجاری خود بزنند؛ زیرا در غیر این

صورت برجسب‌هایی بر دختران زده می‌شود که با معیارهای الگوهای رفتاری قدرت و فرهنگ سنتی جامعه سنجیده می‌شود. دختران سعی می‌کنند از طریق هویت‌یابی با الگوهای مقبول جامعه یعنی یک الگو شایسته و پذیرفته‌شده به نوعی هم‌ذات‌پنداری کنند و از این طریق به احساس غرور و رضایت دست یابند. این عمل خودآگاه یا ناخودآگاه موجب انتقال خصوصیات فرد یا گروه نمونه به دختران می‌شود و مسیر هویت‌یابی اجباری یا اختیاری آنها را تعیین می‌کند.

تصور بخش بزرگی از مردم شهرستان رفسنجان، گذران اوقات فراغت در بیرون را مختص مردان و پسران می‌داند و دختران باید در فضاهای بسته اوقات فراغت خود را سپری کنند. این اوقات فراغت در نمود بیرونی‌اش، با اعضای خانواده و در چارچوب گردش خانوادگی امکان‌پذیر است. ”گرچه این رویه در تهران و شهرهای بزرگ به قوت گذشته نیست ولی همچنان بسیاری از خانواده‌های شهرستان‌ها فراغت بیرون از خانه را برای دختران نمی‌پسندند“ (گزارش سازمان ملی جوانان: ۲۱۰۰). با اینکه با مدرن شدن جامعه، سبک زندگی شهری نیز تغییر یافته است، اما همچنان برخی قوانین جامعه پیشا مدرن در شهر رفسنجان حاکم است. در فرهنگ کلی مسلط بر شهر همچنان دیدگاه تفکیک زنان در حوزه خصوصی (تفریح، اداره امور داخلی خانه، پرورش و رسیدگی به فرزندان) و مردان در حوزه عمومی (کار) وجود دارد. شهرستان رفسنجان هرچند به سمت نوعی ”مدرن شدن شهری“ در حال حرکت است اما فرهنگ مردسالارانه و پای‌بندی به سنت‌ها در زوایای مختلف زندگی روزمره قابل مشاهده است. این مشارکت در شهر رفسنجان به اشکال گوناگونی خود را در جامعه نشان می‌دهد از جمله تبدیل شدن تحصیلات دانشگاهی از یک سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی که شأن و منزلت اجتماعی را برای افراد به دنبال دارد و حتی قشر کم‌درآمد جامعه نیز با تحمل سختی‌های بسیار به دنبال کسب آن هستند زیرا این شاخص امروز در روابط خویشاوندی و ازدواج تبدیل به یک امر باارزش شده است.

علی‌رغم وجود دختران و زنان تحصیل‌کرده در رفسنجان با دختران و زنانی روبه‌رو می‌شویم که مشغول خانه‌داری و ارائه موقعیت اجتماعی خود در وضعیتی دوگانه هستند: از یکسو مدرنیته‌ای ناشی از ذهنیت راه‌یافته از خلال تحصیلات و از سوی دیگر ذهنیت ناشی از وضعیت واقعی آنها در فضای خصوصی. این وضعیت متناقض سبب می‌شود دختران مورد مطالعه نتوانند در کارکرد اجتماعی خود به هویتی که برای کسب آن به دانشگاه راه یافته‌اند مثل ریاضی‌دان، حقوق‌دان و ... دست یابند. بهای رسیدن به موقعیت اجتماعی و حضور در عرصه بیرونی و عمومی، کاهش اقتدار و اعتبار آنها در عرصه درونی و خصوصی است. این تناقض موجود در وضعیت گسست و همسازی میان سنت و مدرنیته موجب بروز بحران هویتی در میان دختران جوان جامعه رفسنجان شده است.

دختران مورد بحث با محدودیت‌هایی در زندگی‌شان روبرو هستند که سیستم اجتماعی آنها را ایجاد و حفظ می‌کند. این محدودیت‌ها با ورود به دانشگاه و کسب سرمایه‌های فرهنگی،

اجتماعی و علمی از بین نمی‌روند. منع حضور آزادانه در عرصه عمومی شهر و روابط اجتماعی با دوستان و هم‌آلان در این فضاها یکی از محدودیت‌ها است. محدودیت‌هایی که شاید راه‌حلی جز ازدواج نداشته باشد؛ بنابراین ازدواج، به عنوان اولین، ساده‌ترین، عاقلانه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راهی است که دختران برای به دست آوردن آزادی اجتماعی از آن کمک می‌گیرند. این راه حل، شاید در نگاه نخست منطقی و مناسب به نظر آید، اما می‌تواند پیامدهای دیگری را به دنبال داشته باشد.

نداشتن حق انتخاب در بازآفرینی اجتماعی الگوهای رفتاری، نوعی حاشیه‌نشینی و احساس درماندگی و عدم توانایی را در دختران مورد مطالعه تقویت می‌کند. این زمینه‌های ساختاری بر تعاملات دختران با عرصه عمومی جامعه و روابط اجتماعی آنها تأثیرگذار است. حساسیت‌های اجتماعی، فضای عمومی جامعه را برای دختران بیشتر محدودکننده می‌نماید. حضور زنان و دختران در سطح جامعه رفسنجان به لحاظ هنجارهای اجتماعی شهر، پذیرفته نیست. از این‌رو سلیقه‌ها و سرگرمی‌ها بیشتر به عرصه خصوصی خانواده انتقال می‌یابد. البته این انتخاب برای دختران با پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی گوناگون متفاوت است. برای دختران با خاستگاه اقتصادی بالاتر در فضای خصوصی خانه، سرگرمی‌های بیشتری از جمله اینترنت با سرعت بالا، وسایل و آلات موسیقی و مهمانی‌های متعدد فراهم است درحالی‌که این امکانات برای دختران با پایگاه اقتصادی پایین‌تر، محدودتر است.

سرمایه اجتماعی دختران دانشجو منجر به تمایل آنها به اجتماعی شدن و برقراری تعامل با دیگران شده است یعنی کسب این سرمایه نمادین نیز به نوع و نحوه اجتماعی شدن و حضور در جامعه وابستگی دارد؛ اما سطح پایین ادغام اجتماعی و کنار گذاشته شدن حوزه عمومی (چه به واسطه بازنمایی‌های جانب‌دارانه و چه محدودیت‌های نهادی و چه در اثر سطح بالای بی‌اعتمادی خانواده به جامعه و ناامنی اجتماعی) طیف گسترده‌ای از دختران را خانواده‌گرا ساخته است. به نظر می‌رسد استحکام سنت و روابط خانوادگی، به همراه برخی محدودیت‌های حوزه عمومی می‌تواند توضیح‌دهنده گرایش بالای جوانان به تعاملات خانوادگی و احساس رضایت آنها باشد. در این میان برخی از فضاهای عمومی همچون دانشگاه از اعتبار و مشروعیت بیشتری برخوردار هستند. دانشگاه به عنوان یک مکان امن در نظر گرفته می‌شود که وجود سیستم نظارتی در آن دختران را تا حدودی از خطرات موجود در جامعه محافظت می‌کند. از نظر خانواده‌ها دانشگاه محیطی عمومی و اجتماعی محسوب می‌شود که از امنیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین دختران به تنهایی و بدون نیاز به همراه می‌توانند به آن تردد کنند اما برای رفت‌وآمد به سایر فضاها با خانواده خود همراه می‌شوند. این محدودیت و وابستگی به خانواده برای تردد به مکان‌های عمومی شهر تا حدی است که حتی بعضی از آنها نام خیابان‌ها و یا مراکز



خرید شهر را به درستی نمی‌شناختند و ترس از گم شدن را یکی از دلایل نرفتن به این مکان‌ها معرفی می‌کردند.

## منابع

- ارشدی، کبوتر (۱۳۸۷)، «هویت‌یابی زنانه در فضاها‌ی عمومی، میزگرد جنسیت و شهر»، فصل‌نامه تحلیلی پژوهشی علوم اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴ و ۲۵.
- پاک سرشت، سلیمان (۱۳۸۶). بررسی جایگاه مصرف اینترنت در سبک‌های فراغتی جوانان ایرانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جاوید، محمدجواد و اصغر ایزدی جیران (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران، نشر آگه.
- ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۵). فرهنگ مطالعات جوانان، تهران، نشر آگه.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم.
- شویره، کریستی ین و فونتن، اولیویه (۱۳۸۵)، واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۲). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۸۳). مردم‌شناسی جنسیت، تهران، افکار (سازمان میراث فرهنگی کشور).
- Cherni, J (2001). "Social – Local Identity", In *Encyclopedia of Social & Cultural Anthropology*, Oriorden, T,(ed), London: Routledge.
- Habermas, Jürgen (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere an Inquiry Into a Category of Bourgeois Society*, Translated by Thomas Burger, The MIT Press, Cambridge: Massachusetts.
- Lefebvre, Henri (1984). *Everyday Life in the Modern World*, Translated by Allen Lane 1971, Translation First Published, London, Penguin Press.

